



درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
تاریخ: ۱۴ آبان ۱۴۰۳
موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - بررسی ادله عدم حجیت خبر واحد - بررسی دلیل مصادف با: ۲ جمادی الاولی ۱۴۴۶
سوم - کلام محقق نایینی و محقق بروجردی در مورد اشکال محقق خراسانی به دلیل سوم و بررسی آن - بررسی دلیل چهارم
سال شانزدهم
جلسه: ۳۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در ادله قائلین به عدم حجیت خبر واحد بود. دلیل اول یعنی آیات مورد بررسی قرار گرفت. دلیل دوم نیز که روایات بود مورد بررسی قرار گرفت؛ رسیدیم به دلیل سوم یعنی اجماع. اشکالات محقق خراسانی به این دلیل را بیان کردیم عرض کردیم مجموعاً ایشان پنج اشکال به ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد مطرح کرده اند.

کلام محقق نایینی

محقق نایینی نسبت به یکی از اشکالات محقق خراسانی به ادعای اجماع توجیهی ذکر کرده و به نوعی خواسته آن را برطرف کند که البته کمکی به حل مسئله نمی کند یعنی این صرفاً یک احتمالی است که بیشتر جنبه علمی دارد تا آنکه نتیجه عملی داشته باشد. لذا با این توجیه هم دلیل سوم مفید و موثر نخواهد بود.

محقق خراسانی در یکی از اشکالات خود به دلیل سوم فرمود ادعای اجماع سید مرتضی بر عدم حجیت خبر واحد معارض است به ادعای اجماع شیخ طوسی بر حجیت. لذا این ادعای اجماع فایده ای ندارد. این مطلبی که محقق نایینی گفتند شاید بیش از آنکه تلاشی باشد برای کمک به این دلیل، رفع یک تهافت بین ادعای دو تن از بزرگان شیعه است. از یک طرف سید مرتضی ادعا کرده ما اجماع داریم که خبر واحد حجت نیست. از آن طرف شیخ طوسی ادعای اجماع کرده که خبر واحد حجت است. سید مرتضی نیز کم کسی نبود، هم از نظر علمی و هم نظر احاطه به انظار و شیخ طوسی نیز کذلک، چطور می شود اینقدر تفاوت باشد در به دست آوردن آراء فقها و ادعای اجماع؟ لذا محقق نایینی در واقع تلاش می کند معقد ادعای اجماع این دو را متفاوت نشان دهد و بگوید اگر سید مرتضی ادعای اجماع بر حجیت خبر واحد می کند منظورش یک چیز است و شیخ طوسی که ادعای اجماع بر حجیت می کند منظورش یک چیز دیگری است. لذا تعجب نکنید که چرا اینها اینچنین مقابل هم ادعای اجماع کرده اند. ایشان می فرماید شیخ طوسی که می گوید ما اجماع بر حجیت خبر واحد داریم، منظورش خبر واحد در مقابل خبر متواتر است. منظور از خبر واحد هم خبری است که ثقه آن را نقل کرده باشد. پس وقتی ایشان می گوید ما اجماع بر حجیت خبر واحد داریم یعنی اجماع داریم بر حجیت خبر ثقه.

اما در مقابل سید مرتضی که ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد کرده، منظورش خبر واحد در مقابل خبر محفوف به قرینه است، سید مرتضی در کلماتش این دو اصطلاح را به کار برده است، یک وقت می گوید خبر واحد و یک وقت می گوید خبر محفوف به قرینه. منظور از خبر واحد یعنی خبر ضعیف و منظور از خبر محفوف به قرینه یعنی خبر ثقه معتبر.

ایشان نسبت به خبر محفوف به قرینه که همان خبر معتبر باشد قائل به حجیت است آن چیزی که محل اشکال است به نظر ایشان خبر غیر محفوف است. حالا محقق نایینی اینچنین جمع کرده بین این دو ادعای اجماع که سید مرتضی ادعای اجماع دارد بر عدم حجیت خبر واحدی که ضعیف است و هیچ قرینه ای بر اعتبار و حتمیت آن وجود ندارد. بنابراین این تعارض و اختلاف بین سید مرتضی و شیخ طوسی بر طرف می شود. یعنی کأنه هیچ مشکلی وجود ندارد، سید مرتضی می گوید ما اجماع داریم بر عدم حجیت خبر ضعیف و شیخ طوسی نیز می گوید ما اجماع داریم بر اعتبار خبر موثق. پس در واقع معقد اجماع در این دو ادعا با هم متفاوت است.

بررسی کلام محقق نایینی

این توجیه یا راه جمع بین این دو ادعا کمکی به قائلین به عدم حجیت نمی کند، فوqش این است که دو بزرگوار را اینچنین از تقابل با یکدیگر دور می کند، اما با قطع نظر از این جهت کلمات آنها مساعد با این توجیه نیست؛ اینکه ما خبر واحد در کلام سید مرتضی را حمل کنیم بر خبر ضعیف، این جای بحث دارد. ایشان در مورد خبر محفوف به قرینه توضیح می دهد که خبر اگر محفوف به قرینه قطعی باشد معتبر است، در حالیکه خبر محفوف به قرینه قطعی از محل نزاع ما خارج است، ما یقین به صدور نداریم و داریم بحث می کنیم که معتبر است یا خیر. لذا اینکه ایشان خبر واحد را به معنای خبر ضعیف و در مقابل خبر محفوف به قرینه قطعی بدانند، جای بحث دارد.

کلام توسط محقق بروجردی

این تلاش ها عمدتاً برای دفاع از سید مرتضی است به این معنا که چطور سید مرتضی در مقابل این همه فقهای هم عصر خودش و کتاب های روایی که مبنای فتوای آنها بوده، ادعا کرده خبر واحد حجت نیست، این بعید به نظر می رسد. در صورتی که ما اکثر احکام شرعی را از همین اخبار آحاد به دست می آوریم، این تلاش در واقع برای دور کردن سید مرتضی از سوالاتی است که پیرامون ادعای او پدید آمده است و همچنان وجود دارد.

محقق بروجردی می فرماید این ادعای اجماع توسط سید مرتضی در واقع نوعی جدل با عامه بوده است. زیرا عامه به اخباری تمسک می کردند که بسیاری از آنها از نظر ما معتبر نبود و بر همان اساس فتاوی زیادی می دادند؛ ایشان در واقع خواسته ریشه آن فتاوی را مورد اشکال قرار دهد، فتاوییی که در آن زمان عامه داشتند و شیوع هم داشت در حالیکه به نظر ایشان آنها مبتلا به اشکال بوده لذا سید مرتضی که ادعای اجماع بر عدم حجیت خبر واحد کرده منظورش اخبار آحادی است که راویانشان از عامه بودند و اصلاً ناظر به اخبار موجود کتاب های روایی شیعه نبوده، یعنی او در واقع خواسته با روشی که آنها پیش گرفته بودند، فتاوی آنها را مورد اشکال قرار دهد، آنها به اخباری تمسک می کردند که ضعیف بود و معتبر نبود و لذا فتاوی خاصی داشتند، لذا سید مرتضی در برابر آنها گفته است اجماع وجود دارد که خبر واحد حجت نیست.^۱

^۱ حاشیه کفایه، ج ۲، ص ۱۰۴.

بررسی کلام محقق بروجردی

این توجیه نیز به نظر می‌رسد می‌تواند به نوعی این اشکال را از ساحت سید مرتضی دور کند ولی واقعش این است که بی‌تکلف نیست زیرا بر فرض ادعای اجماع سید مرتضی را هم بر این معنا حمل کنیم، ولی این چه کمکی می‌تواند بکند به اینکه فتاوی‌ای آنها را بی‌اعتبار کند؟ این جدل چه فایده‌ای دارد؟ اگر این ادعا شده است، آنها نیز می‌توانستند ادعا کنند که چنین اجماعی بین علمای ما نیست، انکار صغرای اجماع برای آنها کاری نداشت، آنها می‌گفتند شما می‌گویید خبر واحد حجت نیست، علمای شما می‌گویند حجت نیست ولی ما حجت می‌دانیم.

به علاوه این یک شمشیر دو دم است؛ اگر جدلاً هم در مقابل عامه این مطلب گفته شده باشد آنها نیز می‌توانستند متقابلاً اشکال کنند که بسیاری از فتاوی‌ای شما بر اساس اخبار آحاد مبتنی است، بلکه ابتناء و استناد احکام شرعی در فقه شیعه به اخبار آحاد به مراتب بیش از استناد احکام شرعی در فقه اهل سنت است، این واضح است که شیعه به جهت اهمی که به امر حدیث داشت تعداد اخبار و روایاتی که در اختیار ماست چندین برابر اخباری است که در اختیار اهل سنت است، آنها عمدتاً اخبارشان مستند به پیامبر و اصحاب پیامبر است. لذا روایات به مراتب بیش از روایاتی است که آنها به آن استناد می‌کنند. لذا اگر این مطلب گفته شود طبیعتاً همین به عنوان حربه علیه فقها شیعه می‌توانست مورد استفاده قرار بگیرد.

لذا به نظر ما نه توجیه محقق نایینی و نه توجیه محقق بروجردی تمام نیست. ضمن اینکه اگر هم تمام باشد کمکی به قائلین به عدم حجیت نمی‌کند.

سوال:

استاد: بله خبر واحد محفوف به قرینه قطعی به نظر آنها حجت است، ولی از محل نزاع خارج است، محل نزاع ما در مورد خبر واحد و اینکه آیا حجت است یا خیر، خبر واحد خالی از قرینه است، خبر واحد غیر محفوف به قرینه است.

بررسی دلیل چهارم

دلیل دیگری نیز قائلین به عدم حجیت اقامه کردند و آن هم دلیل عقل است. منظور از دلیل عقلی همان است که به عنوان شبهه ابن قبه معروف شده است. محصل شبهه ابن قبه این است که اگر خبر واحد حجت باشد لازمه اش تحریم حلال و تحلیل حرام است. لکن تحریم حلال و تحلیل حرام جایز نیست. پس خبر واحد حجت نیست. این یک قیاس استثنایی است ما تفصیلاً این را بیان کردیم و گفتیم قابل قبول نیست.

اینکه اگر خبر واحد حجت باشد لازمه اش این است که حلال، حرام و حرام، حلال شود اینچنین نیست. ما اصل ملازمه بین مقدم و تالی در آن قیاس استثنایی را انکار کردیم و نتیجه این شد که این دلیل هم باطل است. ما در بحث جمع بین حکم واقعی و حکم ظاهری این مطلب را شرح دادیم. در همان اوائل بحث اصول در آن کتاب سه جلدی کتاب حکم مطرح شده و مفصل مورد رسیدگی قرار گرفته است.

بنابراین دلیل عقلی نیز اینجا وجود ندارد. البته دلیل عقلی را محقق خراسانی در کفایه به آن اشاره نکرده است.

فتحصل مما ذکرنا کله: که هیچ یک از ادله عدم حجیت خبر واحد تمام نیست و منکران حجیت خبر واحد هیچ دلیلی بر مدعای خودشان ندارد.

لکن مسئله مهم که ما قبلا هم اشاره کردیم این است که کسانی که خبر واحد را حجت نمی دانند اصلا لازم نیست که دلیل بر عدم حجیت بیاورند، اما حالا آوردند، بر فرض هم که این ادله همه مخدوش باشند، آنها ضرر نمی کنند، منکران حجیت خبر واحد چون مطابق با اصل اولی در باب ظنون حرف می زنند اصلا دلیل برای عدم حجیت لازم نیست اقامه کنند، بر فرض هر چهار دلیلی که از اجماع، سنت و عقل و کتاب اقامه کردند همه مخدوش باشند، این لطمه ای به مدعای آنها نمی زند، آنها می گویند، خبر واحد حجت نیست، این سخن آنها مطابق با اصل اولی در عمل به ظنون است حرمة العمل بالظن زیرا «إن الظن لا یغنی من الحق شیئا» بنابراین آنها نیاز به دلیل ندارند. ولی کسانی که قائل به حجیت خبر واحد می باشند باید دلیل اقامه کنند. لذا ما از اینجا وارد در ادله حجیت خبر واحد می شویم. حال این ادله را باید به دقت مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم قلمرو حجیت خبر واحد را تعیین کنیم. خیلی مهم است که آیا خبر واحد تنها در احکام شرعی معتبر است یا شامل مسائل اعتقادی هم می شود؟ آیا خبر واحد در موضوعات خارجی هم معتبر است یا فقط مربوط به احکام است؟ حجیت خبر شامل جایی که از یک موضوع معین خارجی خبر بدهد می شود یا خیر، این فقط در دایره احکام شرعی قرار می گیرد؟ اینها بحث های مهمی است، خیلی آثار و نتایج مهمی هم بر محدوده حجیت خبر واحد بار می شود. آیا اخبار آحاد در تفسیر آیات قرآن حجت است یا نیست؟ زیرا یک صنف از اخبار آحاد در ذیل آیات قرآن وارد شده است، یعنی در مقام تفسیر یا تطبیق وارد شدند، این همه روایات تفسیری ما داریم. پس قلمرو حجیت خبر واحد خیلی مهم است یعنی مهمتر از اصل حجیت خبر واحد، قلمرو آن است، و الا اصل حجیت خبر واحد یک امر روشنی است، صرف نظر از اینکه چه دلیلی آن را اثبات می کند قلمرو آن مهمتر است. البته دلیل مهم است که لفظی باشد یا لبی، برای تعیین محدوده و قلمرو. لذا این بحث را با دقت دنبال کنید، گمان نکنید که آیه «ان جائکم نبیا» را قبلا خواندیم و روایاتش را دیدیم. اینها باید نقد و بررسی شود و مهمتر اینکه ببینیم دامنه حجیت خبر واحد کجاست و تا کجا را می تواند حجت بداند.

«الحمد لله رب العالمین»